

«خاله بود بودی» نباشیم!

زهره کاردانی

نویسنده

ما شبیه یک خانواده هستیم. اصلا چه فرقی می‌کند تعداد اعضای یک خانواده هشت نفر باشد یا ۸۰ میلیون؟ ما یک خانواده بزرگ هستیم با همان دغدغه‌ها و مسائل خانواده‌های کوچک. با همان اختلاف سلیقه‌ها، با همان اعضای ناهماهنگ با همه، با همان دلخوشی‌ها و با هم بودن‌ها.

خیلی‌ها مان در گیر نیمه خالی لیوان هستیم. اصلا نقد و مخالفت و ساز مخالف بودن فی نفسه اشکالی ندارد. اما این حرف‌ها برای خودش جا و مکان دارد. یک چیزهایی وقتی از خانه بیرون می‌رود و به گوش بیگانه‌ها می‌رسد تأثیرش را از دست می‌دهد. نه می‌شود به آن برچسب نقد زد و نه حس دوست داشتنی پشتش پیدا می‌شود. این از مکان!

اما جایش! هر کدام از ما در نکته‌بینی و انتقاد اجتماعی - سیاسی استادی. اما هر قدر هم که از همخانه، پدر، دوست یا خواهر و برادرمان گله‌مند باشیم؛ حد و حدودی را حفظ می‌کنیم. مثلا حرف‌هایمان را جمع می‌کنیم و وقتی می‌زنیم که به شادی‌ها و احساسات لطمه نزنند. نه درست چندروز پیش از تولدشان، مثلا!



نه این که حرف‌هایمان را بخوریم. که این کار دور از صلاح است. مگر نداریم که مومن آینه مومن است؟ پس زمین گذاشتن این مهم، ضربه زدن به خانواده و خودمان است.

جای حرف‌های خصوصی فقط فضای مجازی نیست. مخاطب حرف‌های ما مردم عادی نیستند که انتقادهایمان آفون شود و به رگشان بنشیند و در این روزهای سخت به تاریکی زندگی‌شان اضافه کند. باید حرف را به آدَمَش گفت. و گرنه هرز می‌رود. مثل خونی که از رگ بیرون بزند. مثل سرمی که در رگ تزریق نشود. مثل رود که از خانه‌اش بیرون بریزد، خراب می‌کند و آبادی نمی‌آورد.

در این روزهای ابتدایی ۴۰ سالگی تصمیم بگیریم که «خاله بود بودی» نباشیم. همان که هر چه می‌دید می‌گفت: کاش این طوری بود، کاش اون طوری بود!



راز عکاسی در آن روزها

مجید فضائلی

مستند ساز

می‌رود و مشغول عکاسی می‌شود. ۱۲ بهمن با ورود امام خمینی (ره) به ایران، برنت باز هم در فرودگاه مهرآباد حاضر می‌شود و آن لحظات را ثبت می‌کند. برنت امکان نزدیک شدن به امام را در مدرسه رفاه پیدا می‌کند و به شخصی‌ترین حالات رهبر انقلاب اسلامی مردم ایران نزدیک می‌شود و پرتوهای از امام خمینی (ره) ثبت می‌کند که بعدا به عنوان جلد مجله معتبر تایم برای انتخاب مرد سال برگزیده می‌شود. برنت در مورد ثبت این لحظات چنین می‌گوید: «تلاش می‌کردم دیده نشوم و حتی سلام نمی‌کردم و دست نمی‌دادم. نهایت تلاشم را به کار می‌بردم تا توجهی به خود جلب نکنم. برای من این راز عکاسی در چنین شرایطی بود: که حضور داشته باشید ولی تأثیری در آنچه در حال رخ دادن است، نداشته باشید.» تصاویری که برنت از حال و هوای آن روزهای ایران ثبت کرد، سندی شد برای شناخت انقلاب ایران؛ سندی که نشان می‌داد مردم از ظلم شاه به ستوه آمده و فارغ از طبقه اجتماعی و اعتقادات دینی و وابستگی‌های سیاسی و آشخورهای فکری، به خیابان آمده بودند. سندی که روح معنوی انقلاب ایران را بیش از هر نمونه مشابهی ثبت کرد، عکس‌های ثبت شده در حلقه‌های ۳۶ تایی و دوربین آنالوگ دیوید برنت که حاصل ۴۴ روز فعالیت در ایران بود، سال ۲۰۰۹ در کتابی ۲۰۰ صفحه‌ای به همراه توضیحاتی مفصل با عنوان «۴۴ روز» منتشر شد.

کرد و با جسارتی که داشت، کم کم به متن مبارزات وارد شد. عکس‌های اولیه او از تظاهرات و پوسترها و دیوارنوشته‌ها هستند اما بعدا به هماهنگی‌ای پی (آسوشیتدپرس) به کاخ شاه می‌رود و تصویری از آخرین مصاحبه تلویزیونی محمدرضا پهلوی با رسانه‌های خارجی به مناسبت آغاز سال نوی میلادی ثبت می‌کند. چند روز بعد مجددا راهی کاخ نیاوران می‌شود تا آخرین دیدار شاه با کابینه را ثبت کند. از آنجا به پایون فرودگاه مهرآباد می‌رود و لحظات فرار شاه را می‌گیرد. بعد از ثبت تصاویر فرار شاه، از پایون فرودگاه مهرآباد مستقیما به خیابان انقلاب



تصویری از دیوید برنت در روزهای انقلاب.

در میان شاخه‌های مختلف عکاسی، عکاسی بحران و جنگ پر مخاطره‌ترین عرصه است. این موقعیت پیچیده حاصل حضور در فضایی ملتهب با تهدیدها و محدودیت‌های فراوان و همچنین تعهد حرفه‌ای برای ثبت وقایع است. حضور در انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی بزرگ نیز شرایطی مشابه ایجاد می‌کند. هر قدر شناخت عکاس از وضعیتی که در آن حضور دارد دقیق‌تر باشد، می‌تواند با قوام بیشتری تحولات را ثبت کند. یکی از عکاسانی که تجربه حضور در بحبوحه انقلاب اسلامی را داشته است، دیوید برنت (David Burnett) آمریکایی است. او متولد سال ۱۹۴۸ است و از ۲۰ سالگی به صورت آزاد برای مجلات عکاسی می‌کرد. برنت حضور در ناآرامی و جنگ‌ها را پیش از انقلاب بهمن ۵۷ و بعد از آن هم تجربه کرده و جنگ ویتنام، کودتای شیلی، سقوط دیوار برلین و قحطی در اتیوپی را با دوربینش ثبت کرده است. تصویر مشهور دختر ویتنامی بعد از بمباران ناپالمی، اثر این عکاس است.

اما ماجرای حضور او در ایران به سفارش خبرگزاری آسوشیتدپرس برمی‌گردد. او دی ماه به ایران آمد که در مصاحبه‌ای گفت: هنگام ورود چیز زیادی از ماجراها نمی‌دانستم. البته خیلی زود کارش را شروع